

نقش بارز زنان در انقلاب تونس و مصر



مصاحبه با آذر ماجدی

پروین کابلی: به قول منصور حکمت "منظره ها به سرعت در حال عوض شدن هستند"، شمال آفریقا در حال بیدار شدن است. ابتدا تونس و اکنون مصر، جنبش اعتراضی علیه فقر و استبداد به کشورهای مجاور از جمله اردن و یمن نیز کشیده شده است. نظرتان در این مورد چیست؟

آذر ماجدی: این رویداد

ها بسیار شغف انگیز و هیجان انگیز اند. مشاهده مردمی که می خواهند سرنوشت خود را به دست گیرند و با شجاعت و استقامت تحسین برانگیزی دستگاه های سرکوبی را که حدود سه دهه بر جامعه شان حکم رانده اند به مصاف طلبیده اند؛ دیدن این همبستگی عمیق انسانی میان هزاران نفر که دست در دست هم برای به زیر کشیدن یک نظام جنایتکار به پا خاسته اند، شادی و هیجان غیرقابل توصیفی را در انسان بیدار می کند. مبارزه برای آزادی، برابری و رفاه کاملا واگیر دارد، حتی مشاهده آن در صفحه تلویزیون در انسان احساس قدرت بوجود می آورد.

رویدادهای خاورمیانه، رویدادهایی تاریخی اند. چهره خاورمیانه در حال تغییر است. کانون بحران و آشوب، جنگ و تروریسم، اختناق و فقر دارد زیر و رو می شود. مصر یکی از مهمترین کشورهای منطقه است. نقش مصر در خاورمیانه و در رابطه با مناسبات دو قطب تروریسم بسیار تعیین کننده است. تمام این معادلات توسط

مصاحبه نشریه سوئدی با نوال السعداوی

صفحه ۴

جنبش زنان در مصر در همراهی با گرسنگان

نگاهی کوتاه به جنبش برابری زنان در مصر

صفحه ۵

صفحه ۷

آناتومی سنگسار



سخن سربیر

مبارک رفت! بعد چی؟

بالاخره مبارک رفت. نه با رضایت کامل، بلکه از سر فشار. تمام دوستان قدیمیش از جمله آمریکا و ژنرالهای قاتل همکارش هم روزهای آخر برای نجات خود از وی خواستند که گورش را گم کند.

اکنون که این سطور را می نویسم چند ساعتی است که مردم در خیابانهای قاهره و دیگر شهرهای مصر در حال شادی و پایکوبی اند. برای من که از فعالین نسل انقلاب ۵۷ ایران هستم صحنه ها بی نهایت آشنا ست. انگار که در تهران قدم میزنم و در تظاهرات های وسیع آن دوران شرکت میکنم. یادم هست وقتی شاه رفت، من و چند نفر از دوستانم مقابل دانشگاه تهران بودیم. وقتی خبر پخش شد ناگهان چهره ها عوض شد. رقص و پایکوبی و سوار شدن بر تانکهای ارتشی تمام مرکز شهر تهران را فرا گرفت. ما به نرده های دانشگاه تکیه داده بودیم و به این صحنه ها نگاه میکردیم و میگفتیم بعد چه میشود؟ خبر آمدن خمینی و علم کردن وی به انقلاب داشت کم کم به یک خواب وحشتناک تبدیل میشد. یادم هست که خبرنگاری خارجی وقتی ما را دید پرسید چرا در شادیها شرکت نمیکنید؟ آیا از طرفداران سلطنت هستید؟ وقتی که برایش توضیح دادیم تازه متوجه شد چرا ما آنقدر گرفته به نظر میرسیم.

حسد و گمان ما متأسفانه درست از کار در آمد و انقلاب مردم ایران به جهنم جمهوری اسلامی منتهی شد.

به نظر میرسد که معترضین در مصر نتوانستند کلیت نظام را در هم شکنند. اکنون نظامیان قدرت را به دست گرفته اند و قول بر گزاری انتخابات آزاد در عرض ۶ ماه را داده اند.

سوال این است که چگونه در یک پروسه آزادی، نظامیان میتوانند تضمین کننده برقراری یک نظام عادلانه، آزادی بیان و اعتراضات باشند. سازمانی که تا کنون از نیروی اصلی سرکوب مردم بوده است.

دارین خلیفه از اکتویست های فعال در گفتگویی با روزنامه یوتوبوری پستن در سوئد میگوید: "بسیاری خواهان آزادی زندانیان سیاسی به ویژه آنهایی که در تظاهرات ۲۶ ژانویه دستگیر شدند، میباشند. وی میگوید که امروز یک روز عادی برای کار است. اما بسیاری هنوز حاضر نیستند که دوباره کار

برای تغییر جهان و احقاق حقوق زنان متحد شوید!

نقش بارز زنان در انقلاب تونس و مصر

مردم به جان آمده مصر به زیر سوال رفته است. این واقعیت که ما شاهد این رویدادهای عظیم هستیم و می توانیم حداقل روی صفحه تلویزیون مان آنرا دنبال کنیم، یک فرصت تاریخی است.

اما ریشه این جنبش های عظیم، این زلزله های اجتماعی-سیاسی کجاست؟ خاورمیانه همواره تحت دیکتاتوری های خشن زندگی کرده است. مبارک در طول ۳۰ سال با پنجه های آهنین بر مصر حکم می راند. مصر سی سال است که تحت "حالت فوق العاده" بسر می برد. پیش از قدرت گیری مبارک مصر تحت دیکتاتوری انور السادات قرار داشت. فقر در این کشور بیداد می کند. بیش از ۴۰ میلیون انسان در مصر با حقوق روزی حدود ۲ دلار زندگی می کنند. در شرایطی که مبارک و خانواده اش میالغ افسانه ای ثروت انباشته اند. استثمار شدید، سرکوب خشن، فقر و فلاکت گسترده، اختناق، تبعیض و بی عدالتی جان مردم را به لب رسانده است.

در تونس موقعیت مشابه ای حاکم است. زین العابدین بن علی بیست و سه سال پیش یک کودتا را در تونس رهبری کرد و قدرت رسید. فقر و فلاکت مزمن و گسترده مردم در مقابل ثروت بن علی و خانواده اش بیانگر بیعدالتی، فساد و سرکوب گسترده است. بن علی

فقط در بانک های اروپایی حدود ۲ میلیارد و نیم یورو انباشت کرده است. همسرش موقع خروج از کشور تمام شمش های طلای بانک مرکزی را با خود از کشور ربوده است. سرکوب خشن و خونین امکان هر نوع اعتراضی را از مردم سلب کرده بود.

کشورهای دیگر نیز دارای موقعیتی مشابه هستند. میلیون ها نفر در سوریه، اردن، لیبی، یمن و تمام شیخ نشین های عرب تحت فقر و فلاکت، استثمار برده وار و سرکوب خونین و خشن زندگی می کنند. خاورمیانه برای تروریسم دولتی، دولت های غربی در راس آن آمریکا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. مناسبات میان کشورهای منطقه و اسرائیل همواره یک محور تعیین سیاست در خاورمیانه بوده است. با عروج اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی موقعیت منطقه حتی خطرتر و بحرانی تر شده است. خاورمیانه به میدان جنگ تروریسم دولتی و اسلامی بدل شده است. مردم منطقه دارند در آتش این جنگ ارتجاعی می سوزند.

این تصویری شمایی از وضعیت منطقه است. این وضعیت منتظر انفجار بود. زمان انفجار را بحران جهانی سرمایه داری که فقر و گرسنگی مطلق را به میلیاردها نفر تحمیل کرده است، تعیین کرد. در چنین شرایطی یک واقعه یا رویداد کوچک پتانسیل ایجاد یک آتشفشان را پیدا می کند. این جرقه را خود سوزی تراژیک یک جوان بیکار در تونس که مورد ضرب و شتم و توهین پلیس قرار

مبارک رفت، بعد چی؟

راشروع کنند. آنها خواهان بهتر شدن شرایط کار و حقوق بهتر هستند. خواستی که به نظر من به حق است."

دارین خلیفه تنها فعال این جنبش نیست که این مسئله را مطرح میکند. بسیاری از خبرنگارانی که این روزها از مصر گزارشاتی فرستاده اند از رادیکالتر شدن جنبش برای رفاه و آزادی خبر میدهند.

اکنون میدان التحریر در حال خالی شدن از مردم است. مردمی که قرار است دوباره به خانه هایشان برگردند. مسئله این است که فردا وقتی که خستگی ۱۶ روز تلاش برای از میدان بدر کردن حسنی مبارک از تنشان بیرون رفت چی چیزی برایشان باقی خواهد ماند؟

به نظر میرسد که رهبری اعتراض قرار گذاشته است روزهای جمعه دوباره دور هم جمع شوند. اما وقتی که

توده های مردم زحمتکش و آزادی خواه در میدان نیستند چه کسانی در حال نقشه کشیدن برای آینده مصر هستند؟ ژنرالهای بی ستاره؟ اخوان المسلمین دمکرات؟ البرادعی؟ و یا فرصت طلبان امروز؟

مصر در هیچ دوره ای نتوانسته است حتی برای مدت کوتاه به آزادی و رفاه برسد. اکنون چگونه میتواند به این امر تحقق بخشد؟ آزادی و نان چیزی که معترضین خواهان آن بودند.

پو آندرسون از مفسرین تلویزیون سوئد میگوید: "ما دیدیم که چگونه انقلاب در اوکراین، لبنان و قیزقیرستان متوقف شد و میتوانیم بگوییم که چیز زیادی بهتر نشد."

پو آندرسون از یک حقیقت صحبت میکند. هیچکدام از انقلابات بعد از فروپاشی دیوار برلین تاکنون نتوانسته است کمترین آزادی و رفاه را برای شهروندان خود تضمین کند. وی به این امر واقف است که دنیا در یک بحران عظیم

اقتصادی بسر میبرد. بسیاری از دستاوردها و رفرمهای دهه ی ۵۰ و ۶۰ عملا پس گرفته شده است. فرانسه، یونان و آمریکا نمونه های خوبی از این وضعیت را به دست می دهند.

از طرف دیگر مصر و ایران در کشورهای خاورمیانه نقش کلیدی و اساسی را در صحنه سیاست بازی میکنند. در ایران اکنون سی و اندی سال از توحش اسلامی میگذرد و جنبش برای آزادی و برابری در کمین کوچکترین موقعیت است که کلیت جمهوری اسلامی را به زباله دانی روانه کند. برای جنبش نان و آزادی در ایران، مصر یک وزنه مهم و هم سرنوشتی حیاتی است. این دو جنبش دارای پتانسیل های مهم و مشترک هستند که میتوانند امکان تحولات عظیم اجتماعی را فراهم کنند. جوانان، زنان و کارگران از پتانسیل های مهم و تعیین کننده این جنبش هستند. جنبش اعتراضی علیه مبارک

مردم را به خیابان کشید. فرعونی دیگر را فراری داد. حقیقت این است که دوران "انقلاب های" رنگین کمانی تمام شده است. این را بسیاری از مهندسین افکار عمومی اعتراف میکنند. مفسرینی که تا یک روز قبل از اعتراضات



مردم مصر هرگز به ذهنشان خطور نکرده بود که مردم با دست خالی میتوانند در مقابل چنین دیکتاتوری بایستند.

اما سوال بزرگ همچنان بی جواب مانده است. قدم بعدی چه خواهد بود؟ کدام نیرو بار دیگر میدان التحریر را به مرکز قدرت نمایی خود تبدیل خواهد نمود؟

پروین کابلی

حکومت ضد زن، سرنگون، سرنگون!

نقش بارز زنان در انقلاب تونس و مصر

گرفته بود، مهیا کرد. جنبش اعتراضی مردم تونس بلافاصله همچون آتشفشانی منفجر شد. این آتشفشان به کشورهای مجاور کشید. الجزایر، اردن، یمن شاهد اعتراضات گسترده توده ای بود. دولت های منطقه بلافاصله از ترس رفرم هایی را وعده دادند. دولت سوریه که سوبسیدها را قطع کرده بود، بلافاصله آنها را ابقاء کرد. کابینه ها برکنار شد. رئیس جمهور یمن که دیکتاتوری است از قبیل بن علی و مبارک که سی و دو سال است بر یمن حکم می راند، قول داد که دیگر کاندید نخواهد شد.

مصر اما غلغله شد. مردم از ۲۵ ژانویه به خیابان ها ریخته اند و خواهان سرنگونی کل نظام شده اند. هزاران نفر در میدان تحریر یا آزادی قاهره کمپ کرده اند. شهرهای سوئز و آکساندریا نیز همچنان دستخوش اعتراضات وسیع مردم است. از روز چهارشنبه ۹ فوریه اعتصابات کارگری هم شکل گرفته است. مردم از خواست خود کوتاه نمی آیند.

پیش بینی آینده کار ساده ای نیست. اما از استقامت و پایداری تانکونی مردم، می توان نتیجه گرفت که عمر دولت مبارک بسر آمده است. روشن است که بورژوازی جهانی، منطقه و داخلی در هر یک از این کشورها خواهد کوشید که نظام سرمایه داری را با شرایط استثمار برده وار حفظ کند. از این رو رهبر تراشی می کند، رسانه ها را نیز در اختیار دارند. می کوشند که چهره های مدافع نظم موجود را در اپوزیسیون مطرح کنند و رضایت مردم را جلب کنند. اینها موانع واقعی هستند.

این امری حیاتی است که مردم تشکل های توده ای مستقل خود را تشکیل دهند. شوراهای کارگری، محلات، دانشجویی و محصلین، شوراهای سرخ ها با شعار اساسی "نه به فقر، نه به گرسنگی، نه به سرکوب، نه به اختناق، نه به تبعیض" زنده باد آزادی، برابری و رفاه باید شعار اصلی این جنبش های عظیم باشد. این خواست واقعی تمام مردم معترض در منطقه است. نباید گذاشت که این شجاعت و استقامت و از خودگذشتگی مردم به هدر رود.

حقوق زن فی الحال در کشورهای منطقه فعال است. اما آن بخشی که علنی فعالیت می کند، از هراس حاکمیت اسلام بر جامعه، علنا نقدی به اسلام طرح نمی کند. بعلاوه، در رابطه با جنگ اسرائیل و فلسطین، این جنبش عملا و رسما علیه اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی موضعگیری نمی کند.

باین ترتیب آن ضد اسلامی گری که در ایران شاهد هستیم، بهیچوجه در کشورهای دیگر منطقه مشاهده نمی شود. این مساله میتواند مشکلاتی را برای جنبش حقوق زن در رابطه با



پروین کابلی: نقش زنان در این اعتراضات بارز است. روند این تغییرات و تحولات در رابطه با جنبش زنان و تغییر برای آزادی زن را در این کشورها چگونه می بینید؟ اگر وضع تونس و مصر را با ایران مقایسه کنیم، با توجه به پیشروی زنان در ایران برای تغییراتی اساسی، آیا در این کشورها نیز میتوان جنبشی برابری طلب را مشاهده نمود؟

آذر ماجدی: زنان جوان بویژه در این جنبش نقش بارزی دارند. البته باید اعتراف کرد که در مقایسه با جنبش اعتراضی در ایران نقش زنان از آن وسعت برخوردار نیست. جنبش

پروین کابلی: چه وظایفی در مقابل ما قرار دارد؟

آذر ماجدی: سازمان آزادی زن بعنوان جریانی که برای آزادی و برابری کامل و بی قید و شرط زنان مبارزه می کند، بعنوان جریانی که علیه اسلام سیاسی و مذهب یک موضع کاملا رادیکال و روشن دارد، بعنوان جریانی که یک سابقه طولانی در مبارزه علیه یک رژیم زن ستیز و سرکوبگر دارد، باید بکوشد که این تجارب را به هر شکل ممکن با مردم منطقه سهیم شود. باید تجارب و آموخته هایمان را وسیعا در اختیار فعالین بگذاریم.

سازمان آزادی زن خوشبختانه، فی الحال سازمانی شناخته شده در میان جنبش حقوق زن در منطقه است. ما در کنفرانس های بسیاری همراه دوستانمان از کشورهای منطقه شرکت کرده ایم. فعالین این جنبش ها را به کنفرانس هایی که خود سازمان دادیم دعوت کرده ایم. بطور نمونه نوال السعداوی در کنفرانس ۸ مارس سال گذشته ما شرکت داشت. شهلا و کریم نوری از شورای مرکزی سازمان ما در ماه دسامبر در کنفرانسی در قاهره شرکت داشتند که جنبش حقوق زن در مصر یکی از سازمان دهندگان آن بود و نوال السعداوی یکی از سخنرانان اصلی آن. لذا ما از ارتباطات نسبتا خوبی برخورداریم. باید این ارتباطات را فعال کنیم و با رفقای خود در منطقه تماس منظم برقرار کنیم. اعلام همبستگی و تلاش برای جلب همبستگی بین المللی برای جنبش اعتراضی مردم در این کشورها نیز یکی دیگر از وظایف فوری ماست. ■

اسلامیست ها در منطقه ایجاد کند. البته پس از سقوط بن علی ما شاهد تظاهراتی سازمان یافته توسط جنبش حقوق زن در تونس بودیم که خواهان تامین مطالبات زنان شده بود. این یک حرکت امید بخش است. باید کوشید که در عین حالیکه مبارزه با اسلامیست ها بر مبارزه علیه دیکتاتوری های پرو تروریسم دولتی سایه نمی اندازد، بتوانیم با خطر اسلامیست ها و عروج آنها نیز مقابله کنیم. جنبش آزادی زن یک عامل مهم مبارزه علیه اسلامیست ها است و به تحرک آمدن آن بسیار حیاتی است.

پیام به مردم انقلابی مصر - به انگلیسی www.youtube.com/watch?v=cJAiJZIJDLs&feature=feedu

پیام به کنفرانس قاهره، دسامبر ۲۰۱۰ - به انگلیسی - مذهب زن ستیز است www.youtube.com/watch?v=ApW8PjxNGX8&feature=related

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

مصاحبه نشریه سوئدی با نوال السعداوی



روزنامه سوئدی داگنز نیوهرتر روز ۶ فوریه مصاحبه ای کوتاه با نوال السعداوی فمیسنت و نویسنده مصری را منتشر نمود. نظر به اهمیت اوضاع امروز مصر در رابطه با خیزش اخیر مردم در مصر این مصاحبه را بدون هیچگونه تغییر منتشر میکنیم.

مترجم: پروین کابلی

داگنز نیوهرتر بالاخره نوال السعداوی را در خانه اش پیدا میکند. وی در خانه است برای اینکه آبی به سرو روی خود بزند و مقداری استراحت نماید وگرنه وی با جنبش آزادیخواهان در میدان التحرير می باشد.

۶ تا ۷ ساعت هر روز، از ۲۵ ژانویه.

نوال السعداوی فمنیست، اکتویست، دکتر و نویسنده با حدود ۴۰ کتاب که تعدادی از آنها به سوئدی منتشر شده است. او از زمان حکومت پادشاهی در دهه ۱۹۵۰ برای دموکراسی و برابری مبارزه کرده است. کتابهای وی الهام بخش جوان و پیر در میدان اشغال شده التحرير است. آنها به وی به مانند یک مشاور نگاه میکنند.

"این روایی است که حقیقت یافته است. برای من مثل این است که دوباره متولد شده ام".

با وجود این خیزش مردم برای وی غیرمنتظره نیست. "من انتظار این را داشتم. من اصلا متعجب نیستم. برعکس این خیزش می بایستی چندین سال پیش صورت میگرفت".

آیا قبلا این آمادگی و بلوغ وجود داشت؟

"البته، ولی همیشه ما را ساکت کرده اند. سرکوب زیاد بالاخره ما را به خیابانها کشاند".

در طول یکشنبه بسیاری از تحلیلگران بر این عقیده بودند که نوعی راه حل سیاسی باید وجود داشته باشد. برای اینکه انقلاب مردم بخواهد به همین صورت ادامه یابد و شتاب خود را از دست ندهد. اما نوال السعداوی کاملا مطمئن است که انقلاب موفق خواهد شد.

"ما برنده خواهیم شد. مبارک قدم به قدم در حال عقب نشینی است. اما تلاش میکند که قدرت را حفظ کند و امیدوار است که اسرائیل و آمریکا وی را کمک کنند. اما اکنون هیچکس با وی نیست".

در همان زمان که داگنز نیوهرتر با سعداوی در حال گفتگو است خبر میرسد که مذاکرات بخش هایی از اپوزیسیون با دولت به سرانجام رسیده است و خبر از تشکیل یک کمیته داده میشود که قرار است در طول یکماه

پیشنهادات تغییرات در قانون اساسی را اعلام کند. این خبر از طرف نوال السعداوی هم تأیید میشود.

"آیا اطلاعاتی در مورد انقلاب فرانسه دارید؟ ما در حال حاضر برای آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و سکولاریسم یک قرارداد اجتماعی می نویسیم. ما هرگز اجازه تشکیل یک حکومت مذهبی را نخواهیم داد. قرار نیست که تبعیض بین زن و مرد، مسلمان و مسیحی باشد. ما همه مصری هستیم.

وی همزمان این مسئله را کاملا رد میکند که جنبش فاقد رهبر است. "البته که رهبران وجود دارند. در میدان التحرير کارها تقسیم میشود. عده ای به مجروحین میرسند. عده ای با آب و غذا به آنها رسیدگی میکنند که شب را در میدان به صبح رسانده اند. عده ای با رسانه ها صحبت میکنند و عده ای هم کمیته ای را انتخاب میکنند که قانون اساسی جدید را

می نویسند. انقلاب مستقیما در میدان قاهره در جریان است، اما مصر ۸۰ میلیون جمعیت دارد و اکثریت آنها در خارج از پایتخت زندگی میکنند و فقیر هم هستند.

فکر نمی کنید بسیاری که در خارج از قاهره می ترسند هرج و مرج ایجاد شود؟

"این مبارک بود که این را گفت. او آماده رفتن است ولی وقتی برود میتواند هرج و مرج ایجاد شود. آنهایی که هرج و مرج طلبند وی و همداستانش هستند. ریا کاری را می بینید؟"

آیا این موضوع برای مردم روشن است؟

"البته. مردم همه چیز را می دانند. اما رسانه های رسمی مبارک فقط دروغ پخش میکنند".

مصاحبه کننده

Anders Bolling

www.dn.se/kultur-noje/det-ar-som-att-bli-panyttfodd

لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن پیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته را نیز بخوانید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

جنبش زنان در مصر در همراهی با گرسنگان

نگاهی کوتاه به جنبش برابرطلبی زنان در مصر

پروین کابلی

۸ فوریه ۲۰۱۱

شمال افریقا از دو هفته پیش شعله ور است. صحنه‌ها سرعت در حال عوض شدن هستند. ناگهان و بار دیگر برخلاف تحلیل و تفسیر قلم زنان نظم نوین توده‌های مردم در خیابانها سیاست‌گذار هستند و رئیس جمهور دیکتاتور را فراری میدهند و دولت‌ها را مجبور به استعفا می‌نمایند.

بار دیگر خیابانها به تصرف مردمی که از گرسنگی و اختناق خسته شده‌اند در آمده است. صحنه‌گردان این تغییرات و تحولات فقرا، جوانان و زنانی هستند که خواهان زندگی انسانی و رفاه و آزادی هستند و برای این در مقابل تانکها و گلوله‌ها سینه سپر کرده‌اند. سرمایه‌داران، بازرگانان و دولتمردانی که قبلا مصر و تونس را در پنجه‌های خود قیصه کرده بودند در حال فرار هستند.

اخبار و گزارشاتی که تاکنون از تونس و مصر و یمن و اردن منتشر گردیده حاکی از شرکت وسیع و گسترده زنان در این خیزشهاست.

زنان در این کشورها به حق و باید یکی از نیروهای محرکه و اصلی برای تغییر باشند. زنان در این کشورها به مانند شهروندان درجه دوم از حقوق پایه‌ای محرومند. وجود دیکتاتوریه‌های عریان، جنبش‌های سیاسی اسلامی، ناسیونالیستی و تداوم بافت

عشیره‌ای در بسیار مناطق به مانند سدهی به بردگی جنسی زنان تداوم بخشیده است و راه پیشروی را بر آنها بسته است.

جنبش زنان برای رهایی و برابری در این کشورها جنبشی به قدمت مبارزه برای مدنیت و روشنگری و مدرنیسم بوده است. جنبش زنان در خاورمیانه و شمال آفریقا با جنبش بیداری در این کشور در ادوار مختلف گره خورد. از همان زمان حضور زنان در محافل مختلف در قرن ۱۸ و صحبت از آموزش زن در خانواده‌های بورژوا شنیده میشد. متفکرین روشن فکر و رفرمیست عملا از آغاز قرن ۱۹ از مبارزه بر علیه حجاب، حق رای زنان، علیه تعدد زوجات و حق آموزش صحبت کردند و تلاش نمودند که با پروسه نوینی که آغاز شده بود تغییراتی در موقعیت زنان بوجود بیاورند. زنان بسیاری که اساسا از خانواده‌های مرفه ولی موثر در امور اجتماعی بودند و از جنبش زنان در غرب الهام گرفته بودند علنا به مخالفت با تعدد زوجات و عدم امکان آموزش برای زنان پرداختند.

ترس از برابری زنان در این جوامع از همان ابتدا بسیاری از آکتورهای اسلامی را به مخالفت‌های جدی با جنبش برابری زنان واداشت. توسل به این امر که گشودن درهای مدارس به روی زنان و یا تغییرات در قوانین خانواده که بر قانون شریعت استوار بود عملا راه را برای فساد و هرزگی زنان در جامعه باز میکند و هرج و مرج را به نرم

تبدیل می‌نماید، یکی از ترندهای بازداشتن زنان از شرکت فعال در امور اجتماعی بود.

علیرغم همه این تبلیغات، زنان در کشورهای مختلف به ویژه در مصر از همان اوائل قرن نوزدهم بدون حجاب به خیابانها می‌آمدند و مجلات و روزنامه‌های ویژه زنان پا گرفت. زنان در مصر از سال ۱۹۰۸ به رهبری سزا نباروی حرکت آزادیخواهی را شروع کردند. در این سال به دلیل مرگ و

میر زیاد در میان کودکان اولین سازمان خیریه زنان بنام "کلینک محمد علی" تاسیس شد و در سال ۱۹۱۰ ملکه حفنی ناصیف اولین بیانیه حقوق زنان را به کنگره ملی تقدیم کرد. زنان در مبارزات سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۹ علیه حاکمیت انگلیس نقشی مهمی را ایفا نمودند. در خیابانها هم‌دوش مردان در تظاهرات شرکت کردند و بسیاری هم جان باختند.

در سال ۱۹۲۴ هدا شعروی اولین اتحادیه زنان را تاسیس نمود. در سال ۱۹۲۶ جریانات مذهبی که متوجه روند حرکت زنان بودند با لایحه‌ای که به پارلمان تقدیم شده بود مخالفت کردند و مبارزه‌ای جدی را علیه آن آغاز نمودند.

در سال ۱۹۵۲ هنگامیکه جمال عبدالناصر به حکومت رسید. ۶ سال بعد حق رای به زنان داده شد و منشور سال ۱۹۶۲ مصر رسماً از برابری زن و مرد نام برد.

این تغییرات عملاً راه را برای ورود زنان به دانشگاه‌ها و ادارات باز نمود و در سال ۱۹۵۳ تمام مراحل تحصیلی برای زنان رایگان شد. در این سال یعنی ۱۹۵۳ تعداد ۳۴۹۰ دختر در مقابل ۳۷۸۲۱ پسر دانشجو در دانشگاه مشغول



تحصیل بودند. در سال ۱۹۷۱ نسبت تعداد دختران دانشجو به پسران دانشجو ۴۳۲۵۵ نفر در مقابل ۱۰۹۰۲۷ نفر بود.

مبارزه برای حقوق برابر زنان در رابطه با تعدد زوجات، طلاق، حق نگهداری فرزندان برای زنان مطلقه تا موقع ازدواج دختر و پا به سن بلوغ گذاشتن، از بین بردن مقررات اطاعت زن از مرد (بیت الطاعة) تا اوائل دهه ۷۰ به طور جدی در مصر ادامه داشت. نیاوری در سال ۱۹۲۹ در این مورد گفت که "از یک طرف به زنان دلخوشی کوچکی داده شد که میتوانند در صورت بدرفتاری شوهر تقاضای طلاق کنند و از طرفی تعهد پرداخت نفقه به زنان از سه سال به یک سال تنزل یافت". در همین سال امینه

رهائی زن همین امروز!



ستمکشی زنان در مصر در کتاب "زنان و جنسیت" پرده از سنت های عقب مانده به ویژه ختنه زنان برمی دارد و به درستی به نقش نوین مذهب و جامعه سرمایه داری در رابطه با ادامه ستم کشی زنان تاکید میکند.

وی همچنین در کتاب "چهره پنهان حوا: زنان در جهان عرب" با فاکت های مختلف به بررسی خشونت علیه زنان در جهان اسلام و مسائلی مانند حجاب و تعدد زوجات میپردازد.

در ناآرامیهای اخیر، که بعد از سی سال سرکوب و دیکتاتوری مبارک مردم به بجان رسیده را به خیابانها کشید، زنان نقشی مهم ایفا نموده اند. ۹۵ درصد دختران در مصر هنوز ختنه میشوند و تحقیر و آزار زنان چه در خانواده و چه در محل کار مصر را در ردیف کشورهایمانند ایران قرار داده است. تلاش برای یک زندگی بهتر و انسانی در مصر از طرف شهروندان مصری آغاز شده است.

سعید که سردبیرمجله زنان قاهره و اولین زن عضو هیئت مدیره سندیکای مطبوعات بود معتقد بود که علت عقب افتادن اصلاحات برای موقعیت بهتر زنان ناشی از "مقاومت گروه های مرتجع در مقابل پیشرفت است".

دهه ۷۰ در مصر دهه تحمیل عقب نشینی جدی به پیشروی زنان بود. دستاوردهای قانونی همچون تنظیم خانواده و کنترل موالید مورد حمله اسلامیون که از طریق دانشگاه الازهر بسیج می شدند قرار گرفت. اخوان المسلمین که عملاً به یک فاکتور جدی در جامعه مصر تبدیل شده بود خواستار برقراری مجدد سنت های کهنه و شریعت اسلامی شد که بیست سال پیش بر علیه آن مبارزه ای جدی پیش گرفته شده بود.

علیرغم تمام این پیشروییها و دستاوردها جنبش زنان در مصر نتوانست خود را از زیر تیغ اسلام و قوانین اسلامی رها کند. نوال سعداوی از چهره های سرشناس جنبش زنان در مصر میباشند و در مورد

تماس با این جنبش را به عنوان یکی از عاجل ترین وظایف خود در دستور کار خود قرار دهند و این امر مهم را یک بار دیگر یاد آور شوند که اگرچه هدف اولیه رفتن مبارک است اما جنبش زنان همراه توده های زحمتکش و گرسنه و سوسیالیستها باید خود را برای تعیین تکلیف نهائی با همه ی اشکال تحقیر و ستم کشی زن روشن کند و همراه دیگر هم سرنوشتان خود برای برپائی یک دنیای برابر خود را سازمان دهد.

پروین کابلی

* فاکت های مقاله از کتاب زنان عرب برگرفته شده است.

زنان در مصر حق دارند مانند شهروندان برابر و آزاد به حقوق انسانی دست یابند. در این راه دوستان نیمه راه همچون البرادعی و اسلامیون اخوان المسلمین میتوانند بار دیگر سد راه این پیشروی شوند. تجربه عروج اسلام سیاسی و سازمان دادن یک آپارتاید جنسی در ایران نباید بار دیگر تکرار شود. امروز تاریخ تاریخ دیگری است. جنبش برابری طلب در ایران راهی طولانی و خونین را تجربه نموده است. این تجربه میتواند دستاوردی مهم و اساسی برای جنبش برابر طلبی در مصر شود. فعالین جنبش برابری طلب در ایران باید امر

سرکوبگرانه نیروهای انتظامی و اوپاش "لباس شخصی" رژیم مواجه شد. ماموران رژیم خیابانها را مسدود کرده و مانع تجمع مردم میشدند. علیرغم این تلاشهای مذبحانه بسیاری از مراکز اعلام شده به مکان تجمع اعتراضی و درگیری با نیروهای رژیم اسلامی تبدیل شد. این اعتراضات در ادامه به سایر بخشهای شهر و محلات کشیده شد و تا پاسی از شب ادامه داشت.

شعارهای جدید این اعتراضات منعکس کننده موج اعتراضاتی بود که در اولین امواج خود دیکتاتوری سرمایه بن علی در تونس و دیکتاتوری حسنی مبارک در مصر را بزیر کشید. "مبارک، بن علی، نوبت سید علی" شعار محوری این تظاهرات بود. در بسیاری از این درگیری ها جوانان با پاره کردن عکسهای خامنه ای و آتش زدن آن به مقابله با نیروهای سرکوبگر رژیم پرداختند و برخی ماموران رژیم اسلامی را گوشمالی دادند.

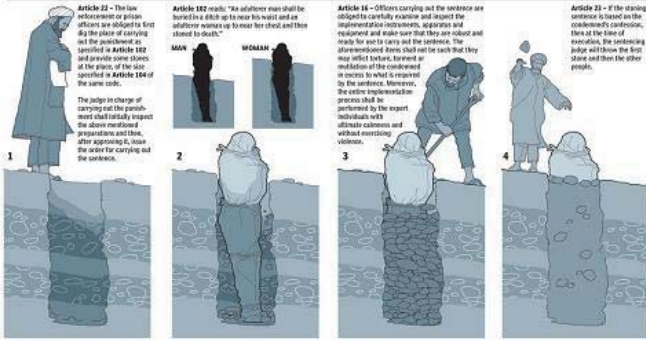
قسمتی از اطلاعیه حزب اتحاد کمونیست کارگری در مورد تظاهرات ۲۵ بهمن

اعتراض دهها هزار تن در شهرهای مختلف ایران با فریادهای "مبارک، بن علی، نوبت سید علی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی آزادی آزادی"، "خامنه ای بدونه بزودی سرنگونه"، "جنتی لعنتی تو دشمن ملتی" و ...

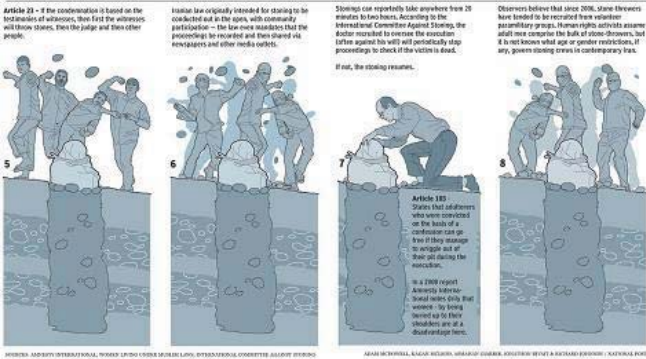
دوشنبه ۲۵ بهمن جوانان و مردم آزادیخواه و برابری طلب اعتراضات گسترده ای در شهرهای مختلف علیه رژیم اسلامی سازمان دادند. تهران مرکز این اعتراضات بود، اما اعتراضات محدود به تهران نبود. از اوایل عصر مردم از گوشه و کنار تلاش کردند خود را به مراکز اعلام شده تجمع برسانند. این تلاش با اقدامات

زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

THE DAY OF THE STONING



THE DAY OF THE STONING



در روز سنگسار محکوم مرد را تا کمر و محکوم زن را تا سینه در چاله ای قرار می دهند. ماموران ننومند اجرای حکم موظفند همه چیز را پیش از اجرا کنترل کنند. چنانچه حکم سنگسار به موجب اعتراف محکوم صورت بگیرد، بایستی قاضی پرونده اولین سنگ را به وی پرتاب کند و بعد بقیه. اما چنانچه محکومیت فرد بر اثر شهادت فرد دیگری باشد، اولین سنگ را بایستی شاهد پرتاب کند، بعد قاضی و بعد سایرین.

آناتومی سنگسار

تا چه حد از جزییات مجازات سنگسار اطلاع دارید؟ گزارش مستند روزنامه "نشنال پست" کانادا همراه با مقاله ای تحت عنوان "نظام قضایی مبتنی بر عصر سنگ (حجر) در ایران" به تشریح مجازات وحشیانه سنگسار پرداخته است. این رسانه طی طرح هایی حرفه ای، به تشریح مرحله به مرحله این مجازات همراه با توضیحات و مستندات از قانون مجازات سنگسار در ایران پرداخته است که یکی از تحقیقی ترین مطالب گرافیک در زمینه سنگسار به شمار می رود.

در این طرح ها نشان داده شده که طبق قانون، دست محکوم را از پشت می بندند و سپس وی را کفن پیچ کرده و کفن را نیز در سه بخش با طناب می بندند. اندازه سنگ هایی که قرار است به فرد پرتاب شود نبایستی آنقدر بزرگ باشد که فرد را زود بکشد و نه آنقدر کوچک که بی اثر باشد. گفته شده که سنگ هایی به اندازه یک نارنگی مناسب تر از همه هستند.

شوند. فعالان حقوق بشر معتقدند بیشتر پرتاب کنندگان سنگ مرد هستند، با این حال روشن نیست چه محدودیت های سنی و یا جنسی بر اجرای مجازات سنگسار در ایران حکم میراند.

اگر انگلیسی میدانید مقاله زیر را از همین نشریه مطالعه کنید:

محکوم مرده است و اگر نمرده بود پرتاب سنگ مجددا از سرگرفته شود تا جایی که مطمئن شوند محکوم مرده است. ناظران معتقدند از سال ۱۳۸۵ به این سو، پرتاب کنندگان سنگ، مردم عادی نیستند، بلکه از میان داوطلبان گروه های شبه نظامی برگزیده شده و برای اینکار در نظر گرفته می

www.nationalpost.com/Iran+execution+binge/4200195/story.html#ixzz1CoZhK2bC

و بعد از آن توسط نیروهای سرکوب رژیم دستگیر شده و به محلهای نامعلومی برده شدند. ■



شد و در بیمارستان درگذشت.

در جریان تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ بهمن، اکثر رسانه های رسمی خبری داخل ایران از اظهار نظر آشکار در این زمینه خودداری کردند اما ساعاتی بعد، چند خبرگزاری و سایت جیره خوار دولت، برگزاری تظاهرات را به قدرت های خارجی نسبت دادند.

در جریان تظاهرات، بین نیروهای سرکوب و لباس شخصی با تظاهر کنندگانی که قصد داشتند از میدان امام حسین به سمت میدان آزادی حرکت کنند، درگیری هایی رخ داد. دهها دانشجو، فعال سیاسی و تظاهر کننده نیز قبل از تظاهرات

در تظاهرات ۲۵ بهمن در تهران دو نفر کشته شدند

از تهران گزارش شده که در جریان تظاهرات روز ۲۵ بهمن در تهران، دو نفر کشته و هشت نفر زخمی شده اند.

سختگوی نیروی سرکوب رژیم صبح روز سه شنبه، ۲۶ بهمن از کشته شدن صانع ژاله، دانشجوی رشته نمایش دانشگاه هنر تهران گزارش داد. خبرگزاری فارس نیز نوشت نفر دومی که با گلوله کشته شده است، محمد مختاری ۲۲ ساله فرزند اسماعیل است. به نوشته این خبرگزاری محمد مختاری روز گذشته به شدت زخمی

سرکوب زنان ممنوع!

در میدان یرن توریت تعدادی دیگر از جمله پروین کابلی از طرف سازمان آزادی زن صحبت نمودند.

وی در سخنرانی خود گفت "امروز روز ماست. امروز روز گرسنگان و ستم دیدگان است. امروز روزی است که توده های مردم سیاست را مستقیم اعمال میکنند. زنان یکی از گروههای شرکت کننده در این خیزشها هستند و بحق باید برای تغییر تلاش نمایند چرا که یکی از محرومترین گروههای تمام این جوامع هستند. زنان بر علیه تحقیر و ستم جنسی، چند همسری، دخالت مذهب در زندگیشان، بر علیه سنت های نابرابر حق دارند و باید اعتراض کنند و خواهان برپائی نظم نوینی باشند. آپارتاید جنسی و اسلام سیاسی در ایران زندگی میلیونها انسان را به سیاهی کشیده است و امروز ما باید با همبستگی و انتقال تجاربمان خود را در این تحولات شریک بدانیم و اجازه ندهیم بار دیگر حرکت مردم برای تغییر، برابری و یک دنیا بهتر دستخوش بند و بست آمریکا با گروههای اسلامی شود". فیلم این سخنرانی را میتوانید در آدرس زیر مشاهده کنید.

www.youtube.com/watch?v=A6Oh7jrUv88

سازمان آزادی زن

۶ فوریه ۲۰۱۱



گزارشی کوتاه از تظاهرات در همبستگی با مردم تونس و مصر در شهر گوتنبرگ سوئد!

به فراخوان حزب عدالت اجتماعی در همبستگی با خیزش مردم کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه روز شنبه ۵ فوریه ۲۰۱۱ گردهمایی و راهپیمایی در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار گردید.

سازمان آزادی زن واحد گوتنبرگ با انتشار اطلاعیه ای به این فراخوان جواب مثبت داد و با پرچم های آزادی و برابری در این تظاهرات شرکت نمود. ابتدا شرکت کنندگان که از احزاب و سازمان های مختلف سوئدی، عرب و ایرانی بودند در میدان گوستاو آدلف جمع شدند. کریستفر لوندبری از مسئولین سرشناس حزب عدالت اجتماعی اولین سخنران این گردهمایی در سخنان خود به همبستگی بین المللی کارگران و جهانی شدن این اعتراضات اشاره نمود.

بعد از چند سخنرانی دیگر اجتماع کنندگان به طرف میدان یرن توریت حرکت کردند. این صف که از مسیری طولانی در وسط شهر میگذشت توجه صدها نفر را به خود جمع کرد و تعدادی دیگر در طول راه به آن پیوستند. در طول میسر شعارهایی مانند امروز مصر و تونس، فردا دنیا و یا مبارک مبارک وقت رفتن است و زنده باد انقلاب سوسیالیستی، زنده باد همبستگی بین المللی کارگران به گوش میرسد.

بردباری داریم و خود را شریک غم و اندوهتان میدانیم.

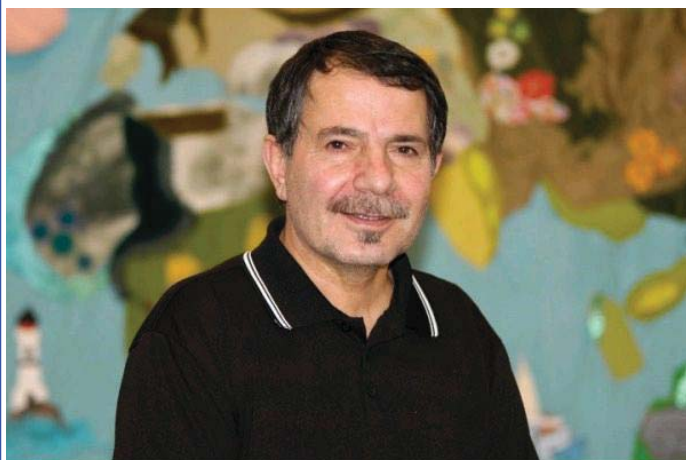
سازمان آزادی زن

۱۴ فوریه ۲۰۱۱



پیام تسلیت سازمان آزادی زن به مناسبت درگذشت منصور فرزاد

با کمال تاسف خبر غم انگیز درگذشت ناگهانی منصور فرزاد در شهر گوتنبرگ سوئد را دریافت کردیم. وی از فعالین برجسته کمونیست، عضو رهبری حزب کمونیست کارگری، و از چهره های سرشناس شهر سنندج بود. ما این مصیب دردناک را به خانواده وی به ویژه همراه زندگیش سوسن صابری و فرزندان عزیزش، خانواده های فرزاد و قطبی و همچنین رفقا و همسنگران صمیمانه تسلیت میگوییم و برایشان آرزوی صبر و



نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

azarmajedi@yahoo.com

parvinkaboli@yahoo.se

esmail_owji@yahoo.com

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی:

هیئت تحریریه نشریه پروین کابلی و

اسماعیل اوجی